

## Finding and Explaining the Causes of the 2011 Tunisian Revolution based on Chalmers Johnson's Theory of Revolutionary Evolution

Rahim Pakzad\*

PhD Student in History of the Islamic Revolution, Bu Ali-Sina University, Hamadan, Iran,  
r.pakzad@ltr.basu.ac.ir

Mohammad Javad Herati

Associate Professor, Department of Islamic Education, Bu Ali-Sina University, Hamadan, Iran,  
harati@basu.ac.ir

Asiye Hosseini

PhD Student in History of the Islamic Revolution, Bu Ali-Sina University, Hamadan, Iran  
asiye.hosseini@gmail.com

### Abstract

**Objective:** Each of the owners of theories of revolution seeks to research and understand the causes and contexts of the revolution in different countries. One of the revolutionary theories that developed in the twentieth century was Chalmers Johnson's theory of revolutionary evolution. The purpose of this article is to apply Johnson's theory of the 2011 revolution in Tunisia. So the main question of this article is to what extent is Chalmers Johnson's theory capable of tracing the roots and explaining the causes of the revolution in question?

**Method:** The present article uses the descriptive-analytical method and in the framework of Chalmers Johnson's theory of revolutionary evolution, seeks to apply and test this theory with revolutionary developments in the mentioned country.

**Results:** According to studies of the three main factors of the revolution from Johnson's perspective, namely imbalance, elite inflexibility and accelerating factors, only the first and third factors (imbalance, accelerating factors) are adaptable with the cause of the revolution in Tunisia, but the inflexibility factor of the elites is not adaptable to any of the causes of the revolution in the mentioned country.

**Conclusion:** Johnson's theory of revolutionary transformation does not have the full and comprehensive applicability to explain the revolution in Tunisia.

**Keywords:** Chalmers Johnson, Tunisia, Islamic World, Islamic Awakening, Revolution.

*Article Type: Research*

---

\* Received on 6 March, 2022      Accepted on 2 May, 2022

**Cite this article:** Pakzad, Herati & Hosseini (2022) Finding and Explaining the Causes of the 2011 Tunisian Revolution based on Chalmers Johnson's Theory of Revolutionary Evolution, Spring 2022, Vol.11, NO.1,1-20

DOI: 10.30479/psiw.2022.16875.3084

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Rahim Pakzad

**E-mail:** r.pakzad@ltr.basu.ac.ir

## ریشه‌یابی و تبیین علل انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون

رحیم پاکزاد\*

دانشجو دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) r.pakzad@itr.basu.ac.ir

محمدجواد هراتی

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران harati@basu.ac.ir

آسیه حسینی

دانشجو دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران asiye.hosseini@gmail.com

### چکیده

**هدف:** هریک از صاحبان نظریه‌های انقلاب، به دنبال واکاوی و پی بردن به علل و زمینه‌های بروز انقلاب در کشورهای مختلف هستند. یکی از نظریات انقلابی که در قرن بیستم رشد و نمو پیدا کرد، نظریه «تحول انقلابی» چالمرز جانسون است. هدف از این مقاله، کاربست نظریه جانسون بر انقلاب ۲۰۱۱ تونس است؛ بنابراین پرسش اصلی این مقاله از این قرار است که تا چه میزان نظریه چالمرز جانسون توانایی ریشه‌یابی و تبیین علل انقلاب مورد بحث را دارد؟

**روش:** مقاله پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و در چهارچوب نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون، به دنبال کاربست و آزمون‌پذیری این نظریه با تحولات انقلابی در کشور نامبرده است.

**یافته‌ها:** با توجه به مطالعات انجام گرفته از سه عامل اصلی انقلاب از منظر جانسون؛ یعنی عدم تعادل، انعطاف-ناپذیری نخبگان و عوامل شتاب‌زا، تنها عوامل اول و سوم (عدم تعادل، عوامل شتاب‌زا) با علت انقلاب در کشور تونس قابلیت تطبیق دارند، ولی عامل انعطاف‌ناپذیری نخبگان با هیچ‌یک از علل انقلاب در کشور مذکور قابلیت تطبیق ندارد.

**نتیجه‌گیری:** نظریه تحول انقلابی جانسون، قابلیت تطبیق‌پذیری کامل و جامع برای تبیین انقلاب در کشور تونس را ندارد.

**واژگان کلیدی:** چالمرز جانسون، تونس، جهان اسلام، بیداری اسلامی، انقلاب.

**نوع مقاله:** پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۲/۱۲

استناد: پاکزاد، هراتی و حسینی (۱۴۰۱)، ریشه‌یابی و تبیین علل انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه تحول انقلابی چالمرز

جانسون، بهار ۱۴۰۱، دوره ۱۱، شماره ۱، پیاپی ۴۱: ۲۰-۱



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## مقدمه

پدیده انقلاب، یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در طول قرون معاصر مورد توجه نظریه‌پردازان رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. تا قبل از قرن بیست و یکم، بسیاری از نظریه‌های انقلاب حول تشریح و بررسی عوامل بروز انقلاب‌های بزرگ در کشورهای مختلف شکل و بسط گرفتند. یکی از این نظریه‌ها، نظریه «تحول انقلابی» چالمرز جانسون<sup>۱</sup> است. با شروع قرن بیست و یک و ظهور دومینووار انقلاب در کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه (جهان اسلام)، بسیاری از نظریه‌پردازان به عوامل بروز انقلاب در این کشورها پرداختند. سال ۲۰۱۱ میلادی را می‌توان سال تغییر و تحول و نیز ظهور انقلاب در کشورهای عربی خاورمیانه نامید. تونس، از جمله این کشورها بود که پدیده انقلاب را تجربه کرد. در اهمیت انقلاب تونس، همین نکته کافی است که با وقوع انقلاب در این کشور، بسیاری دیگر از کشورهای عربی خاورمیانه با انقلاب و اعتراضات خیابانی روبرو شدند.

در مورد انقلاب‌ها، تئوری‌ها و نظرات مختلفی بکار گرفته شده است و سعی شده بر مبنای تحولات صورت گرفته در انقلاب‌ها، این تئوری‌ها را تحلیل و مورد نقد و ارزیابی قرار دهند. از جمله تئوری‌ها و رویکردهای موجود در جامعه‌شناسی انقلاب، باید به تئوری‌های کارکردی اشاره کرد. چالمرز جانسون، یکی از عمده‌متفکرین این رویکرد است که تئوری انقلاب خود را به صورت مشخص در کتاب «تحول انقلابی» ذکر کرده است. تئوری جانسون تا حدودی توانسته است رابطه بین تغییرات ارزشی و محیطی را در ایجاد شرایط انقلاب معین کند. این بحث که تغییر ارزشی در جامعه باعث بروز انقلاب می‌شود، مسأله مهمی است که برخی از نظریه‌پردازان توجه کمی به آن کرده‌اند. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است که به مطالعه انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه چالمرز جانسون پرداخته شود و سعی شده است، عوامل و زمینه‌های بروز انقلاب در کشورهای استراتژیک منطقه خاورمیانه و جهان اسلام مورد واکاوی قرار گیرد. مسأله عمده در این پژوهش این است که آیا می‌توان انقلاب ۲۰۱۱ در کشور تونس را بر اساس تئوری جانسون تحلیل کرد؟ موارد نقض و تأیید این تئوری در مورد این انقلاب کدام است؟ لازم به ذکر است که پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان تنها با یک تئوری تبیین کرد و یک تئوری تنها می‌تواند بخشی از واقعیت اجتماعی را تبیین کند. بهر حال با استفاده از نظریه تحول انقلابی جانسون و کاربست آن، می‌توان به روشن شدن بخشی از واقعیت انقلاب در کشور نامبرده کمک کرد.

با این وجود، می‌توان پرسش اصلی این پژوهش را این‌گونه مطرح نمود که مبانی و عوامل انقلاب نظریه جانسون تا چه میزان با انقلاب ۲۰۱۱ تونس قابل تطبیق است؟ با توجه به مطالعات انجام گرفته، به نظر می‌رسد از سه عامل ذکر شده وقوع انقلاب از منظر جانسون، تنها

---

1. Chalmers Ashby Johnson

دو عامل عدم تعادل و عوامل شتابزا، قابلیت تطبیق‌پذیری بیشتری با علل بروز انقلاب در کشور تونس را دارند. با این حال، این نظریه در برخی از عوامل و علل ظهور انقلاب در کشورهای جهان اسلام (تونس) می‌تواند پژوهشگر را برای رسیدن به نتایج بهتر یاری رساند.

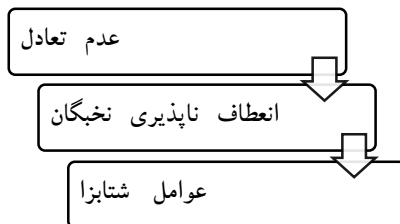
## پیشینه و روش‌شناسی

در رابطه با انقلاب در کشور تونس، پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله و گزارش‌های خبری ارائه شده است؛ اما در خصوص تطبیق نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون با انقلاب ۲۰۱۱ تونس، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. تا پیش از این مقاله، در هیچ پژوهش دیگری انقلاب تونس بر اساس نظریه جانسون مورد بررسی و واکاوی قرار نگرفته است. بنابراین برای نخستین بار است که در یک پژوهش مستقل، عوامل انقلاب در کشور نامبرده از منظر نظریه تحول انقلابی جانسون، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه چالمرز جانسون، یکی از نظریه‌هایی است که در نیمه دوم قرن بیستم در مکتب کارکردی، درباره انقلاب عرضه شده است. این نظریه، از نظر محتوا و شیوه ارائه دلایل و زمینه‌های بروز انقلاب در میان نظریات کارکردی - ساختاری قرار می‌گیرد. نظریه‌پردازان کارکردی - ساختاری می‌خواهند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه می‌توان جامعه را در حالت تعادل نگاه داشت و کشمکش را به حداقل رساند (ملکوتیان، ۱۳۸۰: ۱۱۱). به باور جانسون، انقلاب عبارت است از تلاش‌های موفق و یا ناموفق که به‌منظور ایجاد تغییرات در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌پذیرد (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷). در ادامه انقلاب را عملی ضداجتماعی می‌داند؛ به این معنی که وجود نارضایتی عمیق نسبت به نوع خاصی از نظام اجتماعی را نشان می‌دهد. ایشان اذعان دارد که انقلاب‌ها به‌طور اتفاقی بروز نمی‌کنند و پدیده‌هایی اجتناب‌ناپذیر نیستند؛ چرا که به باور ایشان، انقلاب تنها در جامعه‌ای عمل معقول تلقی می‌شود که درگیر تغییرات شدید در ساخت خود بوده، اما هنوز به تغییرات بیشتری نیاز دارد (همان: ۶۹).

از نظر جانسون، در میان تمام ویژگی‌های یک نظام نامتعادل، آنچه بیش از همه به بروز انقلاب کمک می‌کند، پدیده رکود قدرت است؛ یعنی این واقعیت که در دوره تحول و تغییر، حفظ تمامیت نظام اجتماعی بیش از پیش به استفاده از قوه قهریه توسط صاحبان مناصب اعتبار متکی می‌شود. دومین رشته، از علل لازم از رفتار رهبران سیاسی مایه می‌گیرد. این علل، بویژه مربوط به توانایی رهبران در ایجاد تحولات صریح و قاطع در شرایط عدم تعادل اجتماعی است. اگر این افراد، قادر به ارائه و پیاده کردن سیاست‌هایی برای حفظ اعتماد افراد جامعه نسبت به نظام و قابلیت آن برای حرکت به سوی سازگاری مجدد نباشند، آنگاه اعتبارشان را از کف خواهند داد. در این زمان است که استفاده از قوه قهریه توسط گروه حاکم و ارباب اعتبار، دیگر مشروع تلقی نخواهد شد. به باور ایشان، علت نهایی یا کافی برای انقلاب، عاملی است که

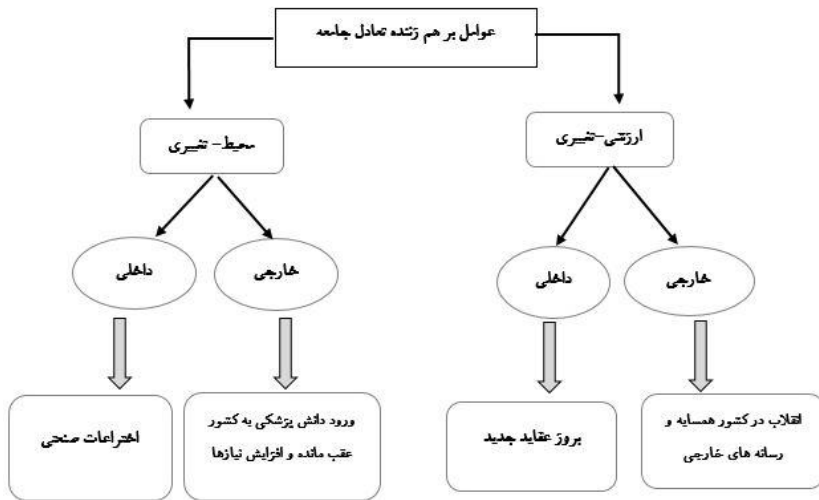
معمولاً به‌طور اتفاقی وقوع می‌یابد؛ مانند شورش نظامیان. چنین حادثه‌ای سلاح عمده نخبگان یا گروهی که در موقعیت اعتبار برای تداوم نظام اجتماعی هستند را از ایشان سلب می‌کند و به گروهی از انقلابیون نشان می‌دهد که می‌توانند ابزار اعمال زور را از حکام بستانند (همان: ۹۶-۹۷).



شکل ۱- علل به‌وجود آمدن انقلاب از منظر جانسون (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۵۱)

## عدم تعادل

جانسون بر این باور است؛ در نظامی که ارزش‌ها و شرایط محیطی آن سازگار باشند، هیچ تغییر و تحولی چه مترقی چه ارتجاعی، با انقلاب همراه نخواهد بود و در نظامی که دارای چنین هماهنگی نیست، خطر انقلاب همواره وجود خواهد داشت (جانسون، ۱۳۶۳: ۷۳) چرا که تا زمانی ارزش‌های یک جامعه و واقعیت‌های محیطی آن با هم سازگار باشند، جامعه از انقلاب مصون است، ولی زمانی که جامعه در حالت تعادل قرار دارد، به‌طور مرتب تأثیراتی از اعضای خود و از خارج می‌پذیرد و مجموعه این دو، آن را به هماهنگ ساختن نحوه تقسیم کار با ارزش‌های خود وادار می‌سازد. چنین جامعه‌ای می‌تواند به‌طور تدریجی تحت تأثیر پدیده‌های جدید، سلیقه‌های تازه و نفوذ فرهنگی از خارج قرار گرفته و بدون تجربه کردن انقلاب، دائم دستخوش تغییر و تحول باشد؛ البته تا زمانی که هماهنگی بین ارزش‌ها و شرایط محیطی آن حفظ گردد (همان: ۷۰). جانسون معتقد است؛ مهم‌ترین و عمده‌ترین ویژگی نظامی که حالت تعادلی خود را از دست داده است، این است که ارزش‌ها دیگر تبیین سمبولیک قابل قبولی برای زندگی ارائه نمی‌دهند (همان: ۸۲). ایشان چهار نوع فشار را باعث برهم زدن تعادل جامعه می‌داند: ۱- منابع تغییر ارزشی از خارج از نظام ۲- منابع تغییر ارزشی در داخل نظام ۳- منابع تغییر شرایط محیطی در خارج از نظام ۴- منابع تغییر شرایط محیطی در داخل نظام (همان: ۷۴).



تکمل ۲- علل برهم زننده تعادل یک جامعه

(همان: ۷۴).

## انعطاف ناپذیری نخبگان

دومین عامل عمده‌ای که جانسون از آن به‌عنوان عوامل بروز انقلاب نام برده است، انعطاف-ناپذیری نخبگان است. به باور ایشان، در شرایطی که دولت با اعتراضات مردمی روبرو شده است، برای حفظ اعتماد عمومی نسبت به خود، هیأت حاکم باید دست به دو اقدام بزند: نخست؛ بر عدم تعادل نظام وقوف یابد و سپس برنامه‌هایی را برای برقراری مجدد تعادل به مرحله‌ی اجرا درآورد. اگر نخبگان بتوانند در اجرای این وظیفه موفق شوند، آنگاه نظام اجتماعی به‌سوی هماهنگی مجدد پیش می‌رود، رکود قدرت ناپدید می‌شود، انقلابی رخ نخواهد داد و به جای آن، اصلاحات تدریجی پیاده خواهد شد؛ برعکس انعطاف‌ناپذیری نخبگان همواره به بروز انقلاب منجر خواهد شد (همان: ۹۹-۱۰۰). ایشان معتقد است؛ زمانی که جامعه‌ای با رکود قدرت و فقدان اعتبار مواجه است، تنها اساس ادامه روابط اجتماعی، به استفاده از ابزار انحصاری اعمال خشونت محدود می‌شود، اما بنا بر شواهد، احتمال بروز شورش در جوامعی بیشتر است که نحوه توزیع قدرت، ثروت، اعتبار و سایر علایق اجتماعی بر مبنای تهدید به استفاده از خشونت سازمان یافته باشد. چنین جامعه‌ای ممکن است، باز هم از انقلاب مصون بماند. اگر نخبگان بتوانند انحصار اعمال زور را برای مدتی حفظ نمایند، این امکان وجود دارد که بتدریج ارزش‌های جدید ایجاد و آموخته شوند؛ تا جایی که حاکمیت هیأت نخبگان توسط همه پذیرفته شود (همان: ۱۰۲).

## عوامل شتابزا

جانسون، عامل نهایی انقلاب در جامعه‌ای که حالت تعادلی را از دست داده و حکام آن فاقد اعتبار هستند را «عامل شتابزا» می‌داند. به گفته ایشان، عوامل شتابزا فشارهایی هستند که می‌توانند در جامعه‌ای که دچار رکود قدرت و ضعف اعتبار شده است، حرکت انقلابی را سرعت بخشند (همان: ۹۷). در مجموع، جانسون از سه نوع عامل شتابزا نام می‌برد: نخستین گونه شامل عواملی است که به‌طور مستقیم بر قوای مسلح حکومت تأثیر می‌گذارند؛ مانند تأثیر بر انضباط، سازماندهی، ترکیب و یا وفاداری افراد نیروهای نظامی. زمانی که شرایط لازم برای بروز انقلاب وجود دارد؛ یعنی آنگاه که قوام نظام اجتماعی تنها بر اساس تهدید به استفاده از خشونت باقی است (زیرا رکود قدرت و فقدان اعتبار بروز کرده است)، هرگونه خللی در استحکام نیروهای نظامی کشور به بروز انقلاب منجر می‌شود، حتی اگر حزب انقلابی متشکلی نیز وجود نداشته باشد.

ایشان دومین نوع از عوامل شتابزا را بخشی از فرهنگ انتقالی یک ایدئولوژی انقلابی می‌داند؛ به این معنی که طرفداران یک ایدئولوژی باور داشته باشند که می‌توانند بر قوای مسلح حکومتی فایق آیند. از این نوع عوامل، نمونه‌هایی مثال می‌آورد: این باور که پروردگار در وقت مناسب به انقلابیون یاری خواهد رساند، این که حمله به یک دژ نظامی، تمامی مردم را به حمایت از مهاجمین برخواهد انگیخت، این که یک اعتصاب عمومی، راه مؤثری برای ضربه زدن به انحصار قوه قهریه توسط حاکمان جامعه است و نیز یک نهضت تجزیه‌طلبانه با مقاومت حکومت مرکزی روبرو خواهد شد و مانند این‌ها. نوع سوم از عوامل شتابزا؛ عبارت است از عملیاتی مشخص، توسط گروهی توطئه‌گر که با برنامه‌ای انقلابی علیه نیروهای مسلح حکومتی به مرحله اجرا درمی‌آید (همان: ۱۰۴).

تماس‌های دوستانه ارتش با مردم، شورش‌های درون‌سازمانی که صرفاً به‌واسطه شرایط نامطلوب خدمتی و یا درگیری بین فرماندهان ایجاد می‌شود، مجادله فرماندهان بر سر نحوه مواجهه با عدم تعادل در نظام اجتماعی، از عوامل شتابزا و مؤثری است که به باور جانسون بر ارتش اثر می‌گذارد، ولی از میان تمام انواع عوامل شتابزای مؤثر بر ارتش، مهم‌ترین عامل از دید ایشان، شکست در جنگ است (همان: ۱۰۷-۱۰۸).

## تونس، مروری بر موقعیت و شرایط قبل از انقلاب

تونس، کشوری است که در شمال قاره آفریقا قرار دارد. تا قبل از انقلاب ۲۰۱۱، در این کشور جمعیت آن بیش از ده میلیون نفر بود. این کشور، با مساحت ۱۶۳۶۲۰ در سواحل

جنوبی دریای مدیترانه واقع شده است. بیش از ۹۸ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان سنی-مذهب عرب‌زبان تشکیل داده‌اند<sup>۱</sup> (الکساندر، ۲۰۱۰: ۱).

در طی سال‌هایی که تونس در حمایت فرانسه بود (۱۹۵۶ - ۱۸۸۱)، مهم‌ترین سیاستی که دولت فرانسه در قبال جامعه تونس اتخاذ نمود، سیاست فرانسوی کردن سر تا پای فرهنگ تونس بود (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: تونس). فرهنگ تونس به‌شدت تحت تأثیر فرهنگ اروپا واقع شده است؛ به طوری که برخی این کشور را سردمدار غربزده‌ترین کشورهای عرب-زبان به‌شمار آورده‌اند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۶۴). در سال ۲۰۰۰، کشور تونس به‌خاطر قوی‌ترین سیاست‌گذاری و چهارچوب نهادی برای توسعه پایدار، از طرف بانک جهانی تحسین شد. در طول سال‌های گذشته، دولت تونس برخی اقدامات اصلاح‌گرایانه اقتصادی؛ از جمله خصوصی-سازی بنگاه‌های دولتی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، قطع یارانه‌ها و هزینه‌های دولتی که مشوق‌هایی برای بخش خصوصی است، انجام داده بود<sup>۲</sup> (گوس، ۲۰۱۱: ۳).

برخلاف بسیاری از کشورهای خاورمیانه، تونس به‌لحاظ جامعه مدنی، از پویایی نسبتاً بالایی برخوردار است. این پویایی را متأثر از نزدیکی جغرافیایی این کشور به قاره اروپا باید دید (مورفی، ۱۳۸۳: ۲۲۸). از جمله نهادهای مدنی که متأثر از این اقدامات در تونس شکل گرفت، می‌توان به سازمان‌هایی؛ همچون سازمان تحقیقات و تحولات زنان تونس، سازمان دموکراتیک زنان تونس، اتحادیه عمومی کار تونس، اتحادیه بازرگانی تونس، جامعه حقوق بشر تونس، مجمع الجاهت، شورای ملی آزادی و حزب‌النهضة اشاره کرد<sup>۳</sup> (بازیکووا، ۲۰۱۲: ۱۶). پس از آنکه بن علی در سال ۱۹۷۸ از طریق کودتا قدرت را از بورقیبه فرتوت بدست گرفت، خود را در ظاهر شخصیتی اصلاح‌طلب نمایان کرد. از اقدامات او در این برهه تاریخی می‌توان به اضمحلال دادگاه نظامی کشور و آزادسازی فضای اقتصادی کشور اشاره کرد<sup>۴</sup> (احمد، ۲۰۱۱: ۲۳-۲۲). همچنین برای بالا بردن سطح محبوبیت و مشروعیت خود در جامعه به اقداماتی دست زد؛ مانند ۱: وارد کردن مظاهر مدرنیته به تونس ۲: رونق و گسترش صنعت توریسم در این کشور<sup>۵</sup> (لیزا، ۲۰۱۱: ۲). به‌طور اجمالی اصلاحات اقتصادی در کشور تونس، به‌خاطر نبود نظام تعادل و کنترل موجب گردید شهروندان عادی از آن بهره‌چندانی نبرند<sup>۶</sup> (دادوش و مایکل: ۲۰۱۱: ۷).

در طول ۲۳ سال حکومت بن علی، سیاست سرکوب دولتی همراه با توسعه اقتصادی اجتماعی نسبی، باعث شده بود وضعیت جامعه تحت کنترل باشد. این امر، از طغیان و اعلام

1. Alexander

2. Gaus

3. Bajzíkova

4. Ahmed

5. Lisa

6. Dadush, Masood@Michele



نارضایتی‌ها جلوگیری کرد و ثبات نسبی را برای رژیم بن علی به ارمغان آورد (زکریا، ۱۳۸۳: ۸۲) ولی بنا بر نظر برخی از محققین، انقلاب تونس در شرایطی به وقوع پیوست که وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوب بود و آزادی‌های سیاسی و مدنی در این کشور وجود نداشت<sup>۱</sup> (دالاکورا، ۲۰۱۲: ۶۴). فساد گسترده، بدون شک بارزترین ویژگی حکومت بن علی محسوب می‌شد<sup>۲</sup> (آندرسون، ۲۰۱۱: ۵).

گلدستون در پژوهشی که در خصوص انقلاب‌های ۲۰۱۱ انجام داده است، می‌گوید: ثبت نام در دانشگاه‌ها در تونس در طی سالیان اخیر، تقریباً سه برابر شد که فراهم آوردن کار برای این جمعیت دشوار بوده است<sup>۳</sup> (گلدستون: ۲۰۱۱). علاوه بر این، در دوران حکومت بن علی، خوراک تبلیغی رسانه‌های دولتی سرشار از چاپلوسی رئیس‌جمهور بود و عکس‌های بن علی در همه جا حضور داشت<sup>۴</sup> (آنگرست، ۲۰۱۱، ۱۱). از دیگر عواملی که خشم جامعه تونس را برانگیخت، درصد بالای بیکاری جوانان تونسی بود<sup>۵</sup> (ایادی، ۲۰۱۱). طبق گزارش برنامه توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، روند رشد بیکاری به شرح زیر بوده است:

جدول ۱- نرخ بیکاری در کشور تونس

سال	مقادیر نرخ بیکاری
دهه ۱۹۸۰	۱۳/۶ درصد
دهه ۱۹۹۰	۱۵/۵ درصد
۲۰۰۵-۲۰۰۶	۲۷ درصد

(UNDP, 2009:109)

به طوری که در آن دهه منجر به انقلاب، شکاف طبقاتی فاحشی میان طبقات شهری و روستایی وجود داشت (گروه مترجمان صراط، ۱۳۸۹: ۱۱). این کشور از لحاظ وضعیت آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۲، رتبه ۱۰۰ جهان را دارا بود (هریتیچ، ۲۰۱۲). در این برهه، یکی از مهم‌ترین عواملی که به مشکلات درونی جامعه تونس دامن زد، بحران اقتصادی جهان بود. این عامل، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد این کشور گذاشت. ساختار اقتصادی تونس به شکل زیادی به صادرات به اتحادیه اروپا و درآمد حاصل از گردشگری وابسته بوده است. در نتیجه این که تونس از بحران اقتصادی جهانی، بیشتر از هر کشور دیگر مدیترانه‌ای متحمل ضرر شد<sup>۶</sup> (پاسیلیو، ۲۰۱۰: ۴).

در کل، هرچند که دولت تونس از نظر بسیاری از شاخص‌ها پس از استقلال و بویژه سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی داشته است، اما این‌گونه پیشرفت‌ها نتوانست دارای کارکرد مناسبی باشد و شکاف اقتصادی عظیم را در جامعه به وجود آورد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۱).

1. Dalacoura
2. Anderson
3. Goldstone
4. Penner Angrist
5. Ayadi
6. Paciello

## جدول ۲- مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت بن علی در تونس

۱	عدم دموکراسی واقعی و سهم بسیار پایین مردم در مشارکت سیاسی
۲	فساد دربار و وابستگی حکومت
۳	وجود سوء استفاده‌های مالی حکومت و نزدیکان خاندان بن علی
۴	سیاست غرب‌گرایی و پرورش دادن آرا و افکار مبتنی بر فرهنگ فرانسه در جامعه
۵	مبارزه با جریان‌های اسلامی و تلاش برای پاک کردن مظاهر مذهبی
۶	بالا بودن سطح خشونت نیروهای امنیتی و سرکوب در جامعه
۷	تلاش برای کاهش فعالیت‌های دینی و آیین‌های مذهبی
۸	تورم افسار گریخته و افزایش قیمت نیازهای روزانه در کنار سر به فلک کشیدن سطح رفاه خاندان حکومت
۹	عدم رشد و رونق اقتصادی و کاهش شاخصه‌های پیشرفت اقتصادی

(هرماس، ۱۹۸۵: ۳۴)

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ معاصر، یکی از مناطقی است که به خاطر وجود منابع زیرزمینی، برای کشورهای غربی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این منطقه، در قرن بیست و یکم حامل حوادث بسیار مهمی بوده است. در این میان، شکل‌گیری بیداری اسلامی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست<sup>(۱)</sup> (خالد، ۲۰۱۰: ۳۲-۲۶). در سال ۲۰۱۱، مردمان عرب‌زبان کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، بر ضد رژیم‌های دیکتاتوری خود، دست به اعتراضات انقلابی زدند و آغازگر جریان‌های انقلابی مزبور، کشور تونس بود<sup>(۲)</sup> (باتی، ۲۰۱۱). قهرمان انقلاب تونس، محمد بوعزیزی جوان ۲۶ ساله‌ای بود که طی برخورد خشن و تحقیرآمیز مأموران شهرداری، وسط خیابان خودش را آتش زد و مکتب خودسوزی فیس بوکی را تأسیس کرد (غفاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱). بسیاری معتقدند؛ همین بی‌توجهی بن علی به ایجاد اصلاحات سیاسی باعث شد که وی برخلاف تصورش که فکر می‌کرد تونس از هر لحاظ در وضعیت باثباتی قرار دارد، ناگهان با سیل اعتراضات مردمی علیه خود روبرو گردد (همان: ۱۴).

## تطبیق نظریه چالمرز جانسون با انقلاب ۲۰۱۱ تونس

## عدم تعادل

پس از آنکه دولت تونس در اواسط قرن بیستم به استقلال سیاسی دست پیدا کرد، با توجه به این که ۹۸ درصد جامعه ۱۰ میلیونی مردم تونس را مسلمانان تشکیل می‌دهند<sup>(۳)</sup> (الکساندر، ۲۰۱۰: ۱)، هیچ‌گونه توجهی از خود به امور دینی و باورهای هزار و چندصد ساله مذهبی مردم نشان نداد؛ به طوری که در این برهه، وزارت امور زنان در دولت بن علی، حجاب را در برخی نهادها و مراکز از جمله مراکز آموزشی قدغن کرد که این امر، نارضایتی اقشار مذهبی تونس را در پی داشت (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۳۰). در زمان حکومت بن علی، مسلمانان تونس از بسیاری مناسک مذهبی از جمله نماز جماعت محروم بودند. همچنین زنان برای پوشش کامل و مردان برای داشتن ریش با مشکل مواجه بودند. به‌دستور وزارت آموزش، دانشگاه‌های تونس مجبور

1.Khaled  
2.Batty  
3.Alexander

بودند از پذیرش و ثبت نام دختران با حجاب کامل و پسران دارای ریش خودداری کنند (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۱).

درواقع اسلام‌گرایی در تونس، واکنشی به جریان سکولاریستی نخبگان حاکم در این کشور بوده است. در شرایطی که چهره اصلی جامعه را مذهب تشکیل می‌داد، سیاست‌های سکولاریستی حکومت در میان مذهب و سیاست شکاف به وجود آورده بود. برای مثال؛ بورقیبه علاوه بر پاکسازی تمامی نمادها و نقش‌های فرهنگی و سیاسی نهاد دینی زیتونیه، تصمیمات رادیکال دیگری نیز در زمینه‌های قضایی اتخاذ کرد و تعدد زوجات را منع کرد. وی همچنین سن ازدواج را برای زنان «۱۷ سال» و مهریه آنان را یک دینار تعیین و تأکید کرد که طلاق تنها توسط امام حاکم صورت می‌گیرد و شوهر حق طلاق یک جانبه را ندارد. افزون بر این، بورقیبه ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان مجاز دانست. بورقیبه همچنین سیستم جدید قضایی را بنا نهاد که در آن قوانین سکولاریستی فرانسه در کنار قوانین اسلامی در آن به کار گرفته می‌شد. علاوه بر این‌ها، بورقیبه جنگی برضد روزه و دیگر مناسک اسلامی مانند عید قربان آغاز کرد؛ به طوری که در رمضان سال ۱۹۶۰ در حالی که لیوانی از آب میوه را سر می کشید، در برابر انتظار عمومی ظاهر شد. همچنین از حج و عید قربان انتقاد کرد و بر این باور بود که این دو پدیده اسلامی هر سال زیان‌های بسیاری به بخش دامداری و ذخیره ارزی در تونس می‌زنند که کشور تاب تحمل آن را ندارد. بورقیبه همچنین در دهه ۱۹۶۰ اقدامات دیگری را نیز عملی کرد؛ از جمله ۱- تبدیل عالمان دینی و مفتیان مذهبی به کارمندان رسمی و مشاوران دولتی برای کاستن از قدرت مخالفت آن‌ها ۲- در انحصار دولتی قرار دادن فعالیت‌های مذهبی و نظارت مستقیم دولت بر آن‌ها ۳- انحصار تمام فعالیت‌های دینی؛ از جمله اجتهاد، عبادت و اجرای قوانین اسلامی به دستگاه سیاسی و تبدیل مفتی به مشاوری صرف نزد دولت ۴- برکناری نهاد دینی از تمام نقش‌های دولتی، دینی و اجتماعی به این بهانه که اندیشه سنتی به زیرمجموعه‌ای شغلی و حرفه‌ای تبدیل شده است که از مسئولیت‌های عمومی تبعیت می‌کند و مفتی دینی، نماینده رئیس جمهوری در کنگره‌ها و نشست‌ها خواهد بود (محمدابراهیم و دیگران: ۱۳۸۵: ۱۶-۱۹).

اعتقاد و اعتماد مردم تونس به جریان‌های اسلامی را می‌توان در حمایت مردم تونس پس از سقوط بن علی از جریان اسلامی الهضه مشاهده نمود. این جریان، پس از انقلاب با رشد چشمگیری مواجه شده است؛ به طوری که حمایت از این حزب حدود سه برابر و ۳۰ درصد نزدیکترین رقیبش بوده است (لینچ، ۲۰۱۱: ۴). هرچند معروف است که مردم مسلمان تونس نسبت به دیگر مسلمانان خاورمیانه از تساهل مذهبی بیشتری برخوردار هستند، ولی با توجه به حکومت تقریباً ۶۰ ساله جریان سکولاریستی در تونس، شکاف عظیمی در میان ارزش‌های

سکولاریستی حکومت و شرایط محیطی مردمی که اغلب دارای باورهای مذهبی بودند، به وجود آمده بود. نادیده انگاشتن باورهای اسلامی مردم توسط حکومت را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عاملی یاد کرد که جامعه تونس را در حالت عدم تعادل قرار داد.

یکی دیگر از عواملی که چالمرز جانسون در بخش ارزش - تغییری خارجی از آن به‌عنوان برهم زننده تعادل جامعه نام می‌برد، نقش رسانه‌های خارجی است. یکی از رسانه‌های خارجی که در نبود احزاب سیاسی نقش بسیار پررنگی در انقلاب ۲۰۱۱ تونس داشت، رسانه فیس‌بوک بود (همان). پس از آن که محمدبوعزیزی در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی به عمر خود پایان داد، مکتب خودسوزی فیسبوکی را تأسیس کرد (غفاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱). براساس دیدگاه «سایبر دموکراسی» یا «دموکراسی الکترونی»، حکومت‌های دیکتاتوری برای آنکه مردمان تحت ستم نسبت به حقوق اجتماعی، سیاسی خویش آگاه نباشند، با محدود کردن رسانه‌های غیردولتی می‌کوشند حاکمیت خود را اعمال کنند؛ چرا که رسانه‌های جدید به ملت‌ها اطلاعات صحیح می‌دهند و به نوعی به راهنما و رهبر مخالفان نظام‌های دیکتاتور تبدیل می‌گردند (شمس، ۱۳۸۶: ۱۰۶). نقش رسانه‌های مجازی در روند انقلاب تونس در حدی پررنگ بود که برخی آن را «انقلاب فیسبوکی» نامیدند. جوانان انقلابی تونس از رسانه‌های اینترنتی برای سازماندهی تظاهرات استفاده کردند. برای مثال؛ از تاریخ هجدهم تا بیست و ششم دسامبر، یک میلیون و هشتصد و بیست هزار کاربر از فیسبوک استفاده کرده‌اند. این آمار با توجه به جمعیت ده میلیونی تونس، بسیار چشمگیر است (احمدیان، ۱۳۹۰).

نمونه تونس نشان می‌دهد در ساختار ارتباطات نقصی پدید آمد و اینترنت، به پناهگاهی برای مخالفانی که از طریق یوتیوب، توئیتر، فیس‌بوک و نظیر آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند، تبدیل شد (العلوی، ۱۳۹۰: ۸) به‌گونه‌ای که می‌توان از این‌گونه رسانه‌ها به‌عنوان رهبران انقلاب تونس یاد کرد (شحاته، وحید، ۱۳۹۰: ۱۴۶). هرچند رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌های جهان اسلام، به دلیل زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و زیرساخت‌های اقتصادی‌شان و همچنین عدم استقلال نتوانستند در جامعه نهادسازی کرده و دموکراسی را استوار سازند (کیا، ۱۳۹۱)، اما تأثیرگذاری چشمگیر آن‌ها را نمی‌توان به راحتی نادیده گرفت. علاوه بر فیس‌بوک، شبکه‌الجزیره نیز در خبررسانی و سازماندهی اعتراضات نقش اساسی داشت (احمدیان، ۱۳۹۰). عبدالله الخالق عبدالله، تحلیل‌گر اماراتی، پیرامون اهمیت شبکه خبری الجزیره معتقد است؛ در طی بحران انقلابی تونس، شبکه الجزیره دارای نقش بسیار مهمی بوده است و اگر الجزیره نبود، جنبش انقلابی مردم در این حد دچار تحریک و تشویق نمی‌گردید. همچنین عبدالوهاب بدرخان، تحلیل‌گر سیاسی اهل لبنان بر این باور است، پوشش خبری شبکه الجزیره موجب شد این شبکه در تونس از خیابان سبقت بگیرد و در قاهره به تظاهرات‌کنندگان بپیوندد (غیاثوند، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

از دیگر عوامل برهم زنده تعادل یک جامعه در بخش ارزش - تغییری داخلی نظریه چالمرز جانسون، بروز عقاید جدید در یک جامعه است. باور به دموکراسی در کشورهای جهان سوم پدیده نوینی است که پیشینه تاریخی زیادی ندارد، اما با گسترش رسانه‌های جمعی و گردش اطلاعات آزاد بسیاری از مردمان این کشورها، کم و بیش با مفهوم دموکراسی و آزادی-های سیاسی آشنایی پیدا کردند. در سال‌های اخیر، به علت پیشرفت رسانه‌های آزاد و وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و از طرف دیگر، گسترش آزادی خواهی و مفهوم دموکراسی، جامعه تونس به شدت تحت تأثیر این عوامل قرار گرفت که این دو پدیده جهانی، نقش اساسی را در شروع و ادامه دادن اعتراضات نیروهای انقلابی تونس ایفا نمودند<sup>۱</sup> (گلدستون، ۲۰۱۱: ۷۶). افزایش نیازها، یکی دیگر از موارد برهم زنده تعادل جامعه است که جانسون در بخش مربوط به محیط - تغییری خارجی به آن اشاره نموده است. احساس نیاز به حقوق شهروندی و دیگر حقوق اجتماعی، اتفاقی بود که در طی چند دهه گذشته در وجود مردم تونس شکل گرفت. در طی این سال‌ها، تونس به رتبه‌ای عالی در مبارزه با بی‌سوادی بین کشورهای عرب‌زبان دست یافت. با افزایش سطح باسوادی و مراکز آموزش عالی، از یکسو موجب تحول در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه و از دیگر سو، باعث افزایش سطح انتظارات فرهنگی مردم در امور اقتصادی و سیاسی گردید. در نتیجه تحولات فرهنگی و اجتماعی، با عدم تحول در سطح ساختارهای سیاسی مواجه شد. حاکمان تمامیت‌خواه در مقابل خواسته‌های جوانان تونسی؛ از جمله حقوق شهروندی، حقوق دموکراتیک، آزادی خواهی و مشارکت سیاسی، سیاست سرکوب را پیشه ساختند<sup>۲</sup> (الکساندر، ۲۰۱۰: ۹۸).

### انعطاف‌ناپذیری نخبگان

دومین عامل عمده‌ای که جانسون از آن به‌عنوان عوامل بروز انقلاب نام برده است، انعطاف-ناپذیری نخبگان است. به باور ایشان، در شرایطی که دولت با اعتراضات مردمی روبرو گشته است، برای حفظ اعتماد عمومی نسبت به خود، هیأت حاکم باید دست به دو اقدام بزند: نخست؛ بر عدم تعادل نظام وقوف یابد و سپس برنامه‌هایی را برای برقراری مجدد تعادل به مرحله اجرا درآورد. اگر نخبگان بتوانند در اجرای این وظیفه موفق شوند، آنگاه نظام اجتماعی به سوی هماهنگی مجدد پیش می‌رود، رکود قدرت ناپدید می‌شود، انقلاب بروز نخواهد کرد و به جای آن، اصلاحات تدریجی پیاده خواهد شد. برعکس انعطاف‌ناپذیری نخبگان همواره به بروز انقلاب منجر خواهد شد (جانسون، ۱۳۶۳: ۹۹-۱۰۰). پس از آنکه قیام مردم تمام شهرهای تونس را در بر گرفت، تلاش‌های نخبگان حکومتی و شخص بن علی برای کنترل بحران به دو صورت نمود یافت: وی در ابتدا همانند ادوار گذشته در صدد بود با سرکوب اعتراضات، نظم و

1. Goldston  
2. Alexander

امنیت را به کشور بازگرداند. اما پس از حدود سه هفته سرکوب نیروهای مردمی از طرف نیروهای سرکوبگر، برخلاف گذشته این امر نه تنها تظاهرات را متوقف نکرد، بلکه به گسترش آن انجامید. بنابراین بن علی بیش از پیش، به حساس بودن موقعیت پی برد و تلاش کرد با دادن وعده‌های همیشگی، معترضان را از انجام دادن اعمال انقلابی منصرف گرداند.

در نتیجه وی در ۱۳ ژانویه؛ یعنی یک روز قبل از فرار از کشور در سخنرانی خطاب به مردم تونس، قول آزادی بازداشت‌شدگان هفته‌های اخیر، عدم نامزدی برای دوره‌های بعدی ریاست جمهوری، بازخواست و محاکمه مسئولان فاسد اقتصادی و ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید را داد و به نیروهای امنیتی نیز دستور داد که به تظاهرات‌کنندگان شلیک نکنند، اما این سخنرانی که ناتوانی و ضعف دولت بن علی در کنترل بحران را برای مردم نوید می‌داد، نیروهای انقلابی را برای ادامه تظاهرات و ساقط کردن حکومت مصمم‌تر نمود (مرکز الجزیره للدراسات، ۲۰۱۱). به‌طور خلاصه، بازیگر مهم و اولیه تحولات تونس که سعی در کنترل و مهار بحران داشت، دولت بن علی بود. بن علی در مهار بحران تلاش کرد که تا آمیزه‌ای از سرکوب با استفاده از نیروهای امنیتی و اعطای امتیازات و وعده انجام اصلاحات را بکار گیرد، اما در پایان دولت بن علی با بکار بردن همه ترفندهای ممکن نتوانست بحران را کنترل کند (واعظی، ۱۳۹۲، ۱۲۳).

به نظر می‌رسد، برعکس نظر جانسون این انعطاف‌پذیری دولت بن علی و نخبگان حکومتی بود که مردم را برای رسیدن به انقلاب و درهم شکستن مقاومت نیروهای دولتی جسورتر کرد. عدم درک مناسب بن علی از شرایط کشور و سخنرانی نامناسب و متزلزل او مبنی بر این که در انتخابات آینده شرکت نخواهد کرد، در حالی که مردم خواستار رفتن بی‌چون و چرای او بودند نیز شرایط را برای او وخیم‌تر کرد (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۱۳۷ - ۱۳۵) به‌طوری که وعده‌های بن علی در روزهای پایانی قدرتش؛ همچون برکناری برخی از مقام‌های دولتی، کاهش قیمت مواد غذایی و مهم‌تر از همه، وعده شرکت نکردن در رقابت‌های انتخاباتی دوره آینده نیز نتوانست کارساز تلقی گردد، بلکه مردم را برای رسیدن به انقلاب مصمم‌تر نمود؛ به‌گونه‌ای که بن علی پس از حدود یک ماه کشور را ترک کرده و به دولت عربستان پناهنده شد (کاظمی: ۸ خرداد ۱۳۹۰).

## عوامل شتابزا

جانسون، عامل نهایی انقلاب در جامعه‌ای که حالت تعادلی را از دست داده و حکام آن فاقد اعتبار هستند، «عامل شتابزا» می‌داند. به گفته ایشان، عوامل شتاب‌زا فشارهایی هستند که می‌توانند در جامعه‌ای که دچار رکود قدرت و ضعف اعتبار شده است، حرکت انقلابی را سرعت بخشند (جانسون، ۱۳۶۳: ۹۷).

اولین عامل شتاب‌زایی که به روند سرعت انقلابیون در تونس سرعت بخشید، عدم حمایت ارتش از دولت بن علی بود. ارتش از همان ابتدا استقلال کشور تا سال ۲۰۱۱ در تونس، از

نقش بسیار مهمی در ساختار سیاست برخوردار بوده است. به طوری که یکی از مهم‌ترین وظایف آن سرکوب مخالفین و ترور نیروهای مخالف بود.

با توجه به اعتمادی که سران حکومت به نیروهای ارتشی داشتند، ارتش به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ به سرکوب تظاهرات نیروهای ضد دولت پرداخت. برخلاف بسیاری از رهبران کشورهای همسایه که از کاریزماتیک شخصی برخوردار بودند، رهبران تونس در ساختار سیاسی کشور از داشتن چنین نعمتی محروم بودند. بنابراین چاره‌ای جز این نداشتند که بیشتر از حد معمول به نیروهای ارتش اهمیت دهند که در نتیجه میان رهبران تونس و نیروهای ارتشی یک نوع وابستگی خاصی به وجود آمد.

ارتش در کنار سرکوب نیروهای کارگری و اسلام‌گراها در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، در به قدرت رسیدن بن علی دارای نقش اساسی بود. به طوری که از سال ۱۹۸۷ بن علی که با حمایت نیروهای ارتشی بورقیبه را از کشور بیرون رانده بود تا سال ۲۰۱۱ نقش ارتش در کشور بسیار پر رنگ و حیاتی بود. همین امر باعث شده بود که بن علی به نیروهای ارتشی اجازه دهد در بسیاری از حوزه‌های کشور دخالت کنند (سمیعی اصفهانی، نوروزی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۹) اما با این حساب با گسترش اعتراضات، ارتش به عنوان یک نهاد در کنار تظاهرکنندگان قرار گرفت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۴). در خصوص سقوط بن علی، اشتباهات دولت نیز به گسترش این حرکت مردمی کمک کرد و زمانی که جریان انقلاب به مرکز حکومت رسید، نیروهای امنیتی؛ از جمله پلیس با نهات خشونت به استقبال نیروهای انقلابی رفت. در کنار سرکوب مردم توسط پلیس، بن علی چاره‌ای نداشت، جز این که از ارتش هم استفاده کند. استفاده از ارتش در جریان سرکوب مردم توسط بن علی، یکی از بزرگترین اشتباهات وی بود. زیرا که ارتش مانع سرکوب انقلابیون توسط نیروهای امنیتی شد و از مردم در برابر نیروهای سرکوبگر حمایت کرد. پس از آنکه بن علی به فرمانده ارتش؛ یعنی رشید عمار دستور تیراندازی به سوی مردم داد، عمار از این قضیه سربیزی نمود که این امر باعث شد بن علی، رشید عمار را مجبور به استعفا کند. در این زمان، با استعفای اجباری عمار از فرماندهی ارتش، نیروهای ارتش به تبعیت از فرمانی که رشید عمار صادر کرد، به مردم پیوستند. اوج سردرگمی بن علی از زمانی برای مردم مشخص شد که وی پس از چند روز که رشید عمار را مجبور به استعفا کرده بود، دوباره ایشان را به فرماندهی ارتش برگزید (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۵).

از دیگر عوامل شتابزایی که به روند سقوط بن علی سرعت بخشید، حمایت نکردن هم-پیمان‌های خارجی تونس بویژه آمریکا و فرانسه از بن علی بود. تونس، در مقایسه با کشورهایی همچون سوریه، بحرین و مصر، از لحاظ استراتژیکی اهمیت چندانی برای کشورهای

غربی ندارد. به قول کریستوفر الکساندر، کشور تونس فاقد منابع عظیمی مثل گاز طبیعی، نفت یا هر منبع مهم دیگری است (الکساندر، ۲۰۱۰: ۶).

با این حال، دولت تونس در زمان حکومت ۲۳ ساله بن علی، دارای روابط نزدیکی با کشورهای غربی؛ از جمله ایالات متحده و فرانسه بود، اما با گسترش بحران انقلاب و اعتراضات در تونس، کشورهای غربی هیچ‌گونه حمایتی از دولت بن علی به عمل نیاوردند و عملاً تحولات سیاسی در این کشور را پذیرفتند. سرانجام این کشورها حاضر نشدند از این رژیم حمایت کنند و سرمایه‌های مادی و معنوی خود در این کشور را به خطر بیندازند (کولایی، حضرت‌پور، ۱۳۹۳: ۲۹). به‌طور کلی با شروع اعتراضات از سوی جوانان تونسی، هیچ نیروی اجتماعی - سیاسی از دولت و شخص بن علی حمایت نکرد و حتی نهاد ارتش نیز پشت ایشان را خالی کرده و وفادار نماند. با در نظر گرفتن عوامل ۱- عدم وفاداری ارتش ۲- عدم حمایت کشورهای غربی، چرایی سقوط زودهنگام بن علی را می‌توان تبیین نمود. می‌توان از دو عامل فوق به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شتابزا در انقلاب تونس نام برد. در واقع ضعف مشروعیت حکومت و فراگیری نیروهای اجتماعی مخالف در کنار عدم حمایت ارتش و بازیگران بین-المللی، سقوط سریع بن علی را رقم زد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

به این ترتیب در سال ۲۰۱۱، حکومت دیکتاتوری تونس با همه ویژگی‌های خاص خود در مقابل سیل اعتراضات مردمی تسلیم گردید و جای خود را به سیستم دیگری از نحوه اداره قدرت و حکومت‌داری سپرد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات انجام گرفته و بررسی انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون، این نتایج بدست آمد که عامل اول؛ یعنی عدم تعادل بر انقلاب تونس قابل تطبیق است؛ چرا که تا پیش از وقوع انقلاب، شرایط اجتماعی حاکم بر هر کشور تونس در حالت عدم تعادل بسر می‌برد. عامل اصلی که باعث به‌وجود آمدن عدم تعادل در جامعه تونس شده بود، حاکمیت جریان سکولاریستی بر جامعه ۹۸ درصدی مسلمانان تونس بود. از تبلیغ آرا و افکار غیرمذهبی و ممانعت از پوشش حجاب برای خانم‌ها و ریش برای آقایان در مراکز دولتی و دانشگاهی و دیگر محدودیت‌هایی که دولت تونس برای جریان‌های مذهبی به وجود آورده بود، می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین عاملی نام برد که شرایط جامع تونس تا قبل از بروز انقلاب را در حالت عدم تعادل قرار داده بود.

دومین عامل از منظر جانسون، انعطاف‌ناپذیری نخبگان است. این عامل، قابلیت تطبیق-پذیری با انقلاب مذکور را ندارد؛ چرا که با بروز اعتراضات در تونس، بن علی در مقابل



ریشه‌یابی و تبیین علل انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون/۱۷

خواسته‌های نیروهای انقلابی از خود انعطاف‌پذیری زیادی نشان داد، ولی این نرمش حکومت در کشور نامبرده، باعث جسور شدن هرچه بیشتر نیروهای انقلابی شد. برعکس نظر جانسون که بر این باور است، انعطاف ناپذیری نخبگان باعث بروز انقلاب می‌شود، در تونس این انعطاف‌پذیری نخبگان و دستگاه حاکم بود که مردم را برای رسیدن به اهداف انقلابی‌شان مصمم‌تر نمود.

سومین عامل عوامل شتابزدگی است. این عامل انقلاب تونس، قابلیت تطبیق‌پذیری دارد. از مهم‌ترین عوامل شتابزا در انقلاب تونس، می‌توان به پیوستن ارتش و فرمانده آن، رشیدعمار، به مردم و دفاع ارتش از مردم در مقابل نیروهای امنیتی دولت نام برد. دیگر عامل شتابزای دخیل در انقلاب تونس، عدم حمایت کشورهای غربی از دولت بن علی بود. با همه این تفاسیر، به نظر می‌رسد نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون، قابلیت صددرصدی تحلیل و تبیین علل و زمینه‌های انقلاب در کشور تونس را ندارد.

### کتاب‌نامه

- جانسون: چالمرز (۱۳۶۳)، *تحول/انقلابی*، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
- حسینی، عارف (۱۳۸۹)، *تشیع در تونس*، مجله گنجینه، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۸ و ۱۹.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی، «تونس».
- <http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=123&avaid=6199>.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷)، *جنبش‌های اسلامی معاصر شمال آفریقا*، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- زکریا، فرید (۱۳۸۳)، *آینده آزادی*، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران: طرح نو.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، نوروزی نژاد، جعفر (۱۳۹۳)، *شکاف‌های اجتماعی و جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه (نمونه موردی: مصر، لیبی، تونس، یمن)*، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳(۹): ۶۱-۹۵.
- شحانه، دینا، وحید، مریم (۱۳۹۰)، *عوامل دگرگونی در جهان عرب*، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۴(۴۸): ۱۳۷-۱۵۶.
- شمس، عبدالمجید (۱۳۸۴)، *دولت مجازی و سرنوشت مردم سالاری در توسعه سیاسی*، جلد دوم، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۱)، *جایگاه رسانه‌های نوین در تحولات نوین جهان عرب*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی کرج، تابستان، ۱۹: ۲۰۵-۲۳۰.
- علوی، هشام بن عبدالله (۱۳۹۰)، *تونس طلایه داران قیام*، علوم سیاسی: سیاحت غرب، (۹۲): ۹۴-۱۰۰.

- غفاری، جلال، دهقانی محمدآبادی، محمدصادق، نجارزاده، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش رسانه-های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در بیداری اسلامی، مطالعه موردی انقلاب تونس، علوم سیاسی: مطالعات بیداری اسلامی، ۳ (۹): ۶۱-۹۵.
- قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۰)، سونامی در جهان عرب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کاظمی، سید محمد موسوی (۸ خرداد ۱۳۹۰)، «تونس، جایی که سونامی از آنجا آغاز شد». <http://www.irde.ir/fa/content/12839/default.aspx>.
- کولایی، الهه، حضرت‌پور، سعیده (۱۳۹۳)، ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ تونس، سیاست جهانی، ۳ (۲): ۷-۳۴.
- کیا، علی اصغر، محمودی، عبدالصمد (۱۳۹۰)، نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس، اصلاحات سیاسی و اقتصادی، ۲۶ (۲۸۳): ۱۲-۲۱.
- گروه مترجمان صراط (۱۳۸۹)، فرهنگ تونس، پژوهش‌های منطقه‌ای، ۳ (۵): ۱۱۳-۱۳۵.
- محمد، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۰)، جنبش اسلامی تونس، ترجمه جواد اصغری، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- مرکز الجزیره للدراسات، در تونس: من، اصطلاحات الرئيس إلى المرحلة الانتقالية موقع الجزيرة، ۱۸ بنا بر ۲۰۱۱.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۰)، سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران: نشر قومس.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۱)، پدیده انقلاب، تهران: دانشگاه تهران.
- مورفی، اما (۱۳۸۳)، اصلاحات اقتصادی و دولت در تونس، در اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه، ویراسته حکیمیان و مشاور، ترجمه عباس حاتمی، تهران: کویر.
- نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۱)، کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲)، انقلاب و تحول در خاورمیانه، تهران: وزارت امور خارجه.
- هرماس، عبدالطیف، (۱۹۸۵)، مصر: حرکت اسلامی فی تونس.
- هریتیج (۱۳۹۰)، شاخص‌های آزادی اقتصادی مصر، تونس و لیبی، مجله بازار بین‌الملل، ۳ (۱۱): ۱-۱.

## References

- Ahmed, Nahla Mahmoud, 2011, "The Civil Society and Democracy in Gulf and Magreb Countries", *Faculty of Economic and Political Science, Cairo University*.
- Alavi, Hisham bin Abdullah (2011), Tunisia, Scouts of the Uprising, Political Science: Western Tourism (in Persian).
- Alexander, christofer(2010), Tunisia :Stability and Reform in the Modern Maghreb. Routledge.

- Al-Jazeera Center for Studies, Tunisia: From, the term's head to the transitional stage of Al-Jazeera, 18 according to .1111 (in Persian).
- Anderson, Lisa (May/ June 2011). Demystifying the Arab spring, Foreign affairs.
- Ayadi, Rym, Silvia Colombo, Maria Cristina Paciello and Nathalie Tocci, The Tunisian Revolution; An Opportunity for Democratic Transition, 2011 January; <http://www.iai.it> (accessed on: 28 Jan. 2011)
- Bajzíkóvá, K, 2012, "Civil Society Needs Assessment in Tunisia", Final Report, PDCS.
- Batty, David, 2011, "Military Action Begins Against Libya", the Guardian, 26 March
- Da dush, uri, Ahmed Masood and pune Michele (May, 9, 2011). Middle East and North Africa in Turmoil: the Economic and Political om look. Carnegie endowment for international peace. <http://www.carnegieendowment.org/2011/05/09>.
- Dalacoura, Katerina (2012), "The 2011 Uprising in the Arab Middle East: Political Change and 52- Geopolitical Implications", The Royal Institute of International Affairs.
- Gause, F. Gregory (July August 2011). Why middle east studies missed the Arab spring. Foreign affairs.
- Ghaffari, Jalal, Dehghani Mohammadabadi, Mohammad Sadegh, Najarzadeh, Mohammad Reza (2013), The Role of Virtual Media and Social Networks in the Islamic Awakening, A Case Study of the Tunisian Revolution, Islamic Awakening Studies, Second Year, No. 3: 61-77 (in Persian).
- Goldston. I. A (2011) towards A pour the Generation of Revolutionary the ory, A nnuual, Review of political science. 701.80No.10.
- Great Islamic Encyclopedia, Tunisia (in Persian).
- Heritage (2011), Indicators of Economic Freedom in Egypt, Tunisia and Libya, International Market Journal, No. 11 (in Persian).
- Hermas, Abdul Latif, (1985), The Islamic Movement in Tunisia (in Persian).
- Hosseini, Aref (2010), Shiism in Tunisia, Ganjineh Magazine, World Assembly of Ahl al-Bayt, pp. 18-19 (in Persian).
- <http://www.transparency.org>.epi 2012 .results(2012).
- Johnson: Chalmers (1363), Revolutionary Transformation, translated by Hamid Eliassy, Tehran: Amirkabir (in Persian).
- Kazemi, Seyed Mohammad Mousavi (June 28, 2011), Tunisia, where the tsunami started (in Persian).
- Kia, Ali Asghar, Mahmoudi, Abdolsamad (2011), The Role of Social Networks in the Tunisian Revolution, Political and Economic Reforms, No. 283: 12-21 (in Persian).
- Kolaei, Elaheh, Hazratpour, Saeedeh (2014), Internal and External Roots of the 2011 Tunisian Revolution, Political Science: World Politics, No. 8: 7-34 (in Persian).

- Lisa, A., 2011, "Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences between Tunisia, Egypt and Libya", *Foreign Affairs*, Vol. 90, No3.
- Lynch, marc. (2011), 'America and Egypt after theupri sing', *survival*, 701.53.no.
- Malakoutian, Mostafa (2001), *A Look at the Theories of Revolution*, Tehran: Qoms Publishing.
- Malakoutian, Mostafa (2012), *The Phenomenon of Revolution*, Tehran: University of Tehran.
- Mohammad, Ibrahim and others (2001), *The Islamic Movement of Tunisia*, translated by Javad Asghari, Institute for the Study of the Thinkers of Light (in Persian).
- Murphy, Emma (2004), *Economic Reforms and Government in Tunisia*, in the *Political Economy of Transition in the Middle East*, edited by Hakimian and Consultant, translated by Abbas Hatami, Tehran: Kavir (in Persian).
- Niakoei, amir (2012), *An Autopsy of Contemporary Revolutions in the Arab World*, Tehran: Mizan Publishing (in Persian).
- Paciello, Maria Cristina, (2010), "The Impact of the Economic Crisis on Euro Mediterranean Relations", *The International Spectator*, Vol. 45, No. 3, Sept. pp. 51-69
- Penner Angrist, Michele (January, 16,2011) *Morning in Tunisia*. <http://www.foreignaffairs.com/articies/67321/michell-penner>.
- Qazvini Haeri, Yaser (2011), *Tsunami in the Arab World*, Amir Kabir Publications (in Persian).
- Samiei Esfahani, Alireza, Norouzi Nejad, Jafar (2014), *Social Gaps and Political Movements in the Middle East (Case Study: Egypt, Libya, Tunisia, Yemen)*, *Political Studies of the Islamic World*, No. 9: 61-95 (in Persian).
- Sarat Translators Group (2010), *Tunisian Culture*, *Regional Studies*, No. 5 (in Persian).
- Shams, Abdolmajid (2005), *Virtual Government and the Fate of Democracy in Political Development*, Volume 2, Tehran: Publications of the Higher Institute of Management Education and Research and Planning (in Persian).
- Shamsini Ghasvand, Hassan (2012), *The position of new media in the new developments in the Arab world*, *Karaj Political Science Quarterly*, Summer, No. 19, pp. 205-230 (in Persian).
- Shehata, Dina, Vahid, Maryam (2011), *Factors of Transformation in the Arab World*, *Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, No. 12 (in Persian).
- UNDP(2009),, *Arab Human Development Report: Challenges to Human Security in the Arab Countries*, New York: Regional Bureau for Arab States.
- Vaezi, Mahmoud (2013), *Revolution and Transformation in the Middle East*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs (in Persian).
- Zakaria, Farid (2004), *The Future of Freedom*, translated by Amir Hossein Norouzi, Tehran: New Design (in Persian).